

نویسنده : کیات جونیس (Keit Jones).
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز (2015-7-21).
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

**پیمان هستوی ایران انگیزه و محرک برای امپریالیزم ایالات
متحدہ امریکا بمنظور ہژمونی جهانی**

**The Iran Nuclear pact and the US
Imperialism Driver Global Hegmon**

بعد از بیست ماه مذاکرہ ، ادارہ «اوباما» ہفتہ ای گذشتہ با ایران - چین -
فرانس - روسیہ - بریتانیا و جرمنی با یک توافقنامہ (15) سالہ عادی شدن
روابط با برنامہ هستوی غیرنظامی ایران بہ توافق رسید ولی آنچه کہ
در اینجا با اہمیت تلقی میشود اینست کہ آیا این توافقنامہ توسط بخش
نخبگان حاکم ایالات متحدہ امریکا بہ قوت خود زندہ باقی خواہد ماند؟ و یا
اینکہ این توافقنامہ یک تغیر مهم تکتیکی قابل توجہی امپریالیزم ایالات
متحدہ امریکا توام با پیامدہای بالقوہ ای خواہد بود کہ تطبیق و تحقق آنرا بعید
و غیر ممکن خواہد ساخت .



از ہنگام انقلاب (1979) ایران و سرنگونی شاہ خون آشام و دیکتاتور تحت
الحمایہ ایالات متحدہ امریکا ، کینہ توزی و خصومت بویژہ ای حاکمان
امریکا علیہ ایران در سیاست خارجی آن کشور جایگاہ خاصی دریافت و در
طول قرین بہ (12) سال اخیر واشنگتن بشکل درامتیک و با گردن کلفتی
ایران را با یا وہ سرایی های تبلیغاتی خویش تحت شانناژ و تہدید قرار داد

بالای افغانستان و عراق همسایه های ایران تجا وز نمود و بمنظور ارباب ایران آقای «جورج والتر بوش» دومراتب درشرق ودرغرب ایران بخاطر شعله ور ساختن و آغاز جنگ با ایران دست به تجاوز و جنگ زد .

پیوسته و به دنبال همچو تهدیدات ، اداره «اوباما» درسال «2009» تلاش بخرج داد تا از طریق خیزش « انقلاب سبز » تغییر رژیم را درتهران بوجود آورد ، بر بنیاد همین هدف خواست تا به ادعاهایی بی بنیاد خویش دامن زند که گویا در انتخابات ریاست جمهوری ایران تقلب صورت گرفته و رای مردم دزدیده شده است و از جانب دیگر واشنگتن خواست تا متحدین اروپایی خویش را گول زند و آنها را وادارد که در ایجاد تحریم اقتصادی علیه ایران با ایالات متحده امریکا شریک شوند تا جایکه این تحریم های اقتصادی حتی اگر به آغاز جنگ با ایران زمینه را مساعد هم بسازد .

در حال حاضر در ازای کسب امتیاز گسترده از ایران واشنگتن موافقه کرده است که تحریم های اقتصادی را علیه ایران برای مدت (15) سال تا «عادی» شدن روابط بین هر دو کشور با توشیح توافقنامه برنامه هستوی غیرنظامی ایران به حالت تعلیق در آورد .

«اوباما» هفته ای که سپری شد به ارتباط توافقنامه ای هستوی غیر نظامی ایران توضیح نمود که این توافقنامه یک سلسله محدودیت های مشخصی را نیز باخود همراه خواهد داشت چنانچه همین اکنون «اوباما» و جان کیری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا و دیگر مقامات رسمی آن کشور این توافقنامه را بنام توافقنامه اکتشافی توضیح نمودند و آن اینکه آنها میخواهند تا ایران را به آزمایش گذارند و نیت تهران را در طول مدت زمان تعیین شده بدانند ، پالیسی آنها در درگیر شدن به جانب ایران یک شرط بندی ستراتیژیکی است که از طریق ترکیبی از فشار مداوم و اغوا شامل هجوم سرمایه گذاری غربی میباشد که در آن صورت امپریالیزم امریکا قادر خواهد شد که طبق اجندای کاری از قبل تعیین شده خود تهران را مهار سازد.

رهبری حزب جمهوریخواهان ، و الاستریت ژورنال ، و کمیته روابط عامه ای اسرائیل امریکا عموماً مخالف این تغییر میباشد و چنین تصریح میدارند که خلاصه ای این تغییر تضمین دادن اهنین وزره پوش «اوباما» به تهران و ارسال خطا روهشدارای و به حاشه راندن دولت های مشتری سنتی ما در خاور میانه

وبویژه علیه اسرایل و عربستان سعودی میباشد.

علیرغم هیاهوی عمومی جمهوریخواهان تا هنوز کدام نشانه ای قابل ملاحظه و ضروری از نیت و قصد تصمیم گیرندگان اصلی در حزب جمهوریخواهان بچشم نمی خورد و تا حدودی هم کنجکاوی آنها اثبات این اصل میتواند باشد که او باما با در نظر داشت این توافقنامه دست باز خواهد داشت که امتیازات مفید بیشتر از تهران بدست آورد و در این خصوص میتوان اضافه نمود که برخی از موضوعات به دور از توافق هستوی با ایران اجرا خواهد شد چه رسد به تحمل و شکیبایی .

از سوی دیگر توافق هستوی و بحث طبقه حاکم متمرّد به روی آن در واقعیت انعکاسی از مشکلاتی است که امپریالیزم امریکا به آن مواجهه است و به نظر این ابر قدرت حریص راه بیرون رفت از همچو مشکلات تنها از طریق تجاوز و جنگ به منظور جبران کاهش قدرت اقتصادی و هژمونی جهانی و دسترسی به منابع انرژی میسر شده میتواند .

مطلب قابل تذکر اینک ایالات متحده امریکا به ارتباط پیامدهای سه جنگ بزرگی که توسط حلقات جنگ طلب اش در مرزهای شرق میانه در دهه های گذشته و آغاز جنگ در نیمه همین دهه در اکراین توام با وضع تحریم ها بالای روسیه بخاطر کسب نتایج دلخواه سازماندهی شده بود از آن نتایج دلخواه نگرفت و همین پیامدهای ناخوش آیند عدم رضایت عمیق طبقه حاکمه امریکارا فرام ساخت و اداره ریس جمهور او باما را به ترس آنکه مبدا متحدین نزدیک اش را که توسط بریتانیا رهبری میشود و دارد که تا امریکا بخاطر منافع خود آغاز به جنگ بنماید و خودش بعنوان عضو از اعضای موسس چینیایی بخاطر توسعه زیر ساخت بانک آسیایی که در اوایل سال جاری شروع بکار نموده سندی را به امضا رساند .

این همه ناملایمتها ممکن اداره او باما و حلقات حاکم ایالات متحده امریکا را کور مال کورمال بخاطر اثربخشی برنامه ای از قبل ادغام شده و دارد تا به جنگ و حمله اقدام نماید .

میتوان ادعان کرد که در خط السیر امپریالیزم ایالات متحده امریکا موارد چندی بملاحظه میرسید و یا موجود است و از جانبی محاسبات ستراتیژیکی زمینه پیشنهاد تغییر را در روابط ایالات متحده امریکا با ایران مساعد ساخت

که میتوان نتایج و پیامدهای این تغییر را ذیلاً برشمرد :

* اوباما و تمام نخبگان حاکم ایالات متحده امریکا با هم چنین فیصله بعمل آوردند که تا مین و حفظ هژمونی ایالات متحده امریکا در سراسر جهان از طریق نیروی نظامی قابل دسترس میباشد .

در مورد ویا در محتوی اعلامیه ای مکرر رییس جمهور آقای اوباما که در طول هفته ای گذشته اعلام گردید چیزی شوم و نامیمونی قابل جلب توجه بود و آن اینکه او به نوبه خود از نظر جست دیپلوماتیک شکست خود را به ایران که ممکن به جنگ منجر شود ابراز نمود .

* توجه مرکزی ستراتیژیکی جهان شمول امپریالیزم ایالات متحده امریکا تسلط بر ابرو آسیا (Eurasia) شامل سرزمین های وسیع و گسترده که به نسبت خانه (اینجا) تقریباً 2/3 تمام نفوس جهان را دربرمیگیرد میباشد .

واشنگتن از سالیان متمادی با هدفی که از قبل تعیین نموده بود به این اندیشه بو ویا اینرا میدانست که ایران سرزمین بویژه و با ارزش میباشد چونکه این سرزمین در نقطه تقاطع سه قاره (اروپا ، آسیا و افریقا) قرار دارد و از همه با ارزشتر و درخور توجه اینکه تنگنای هرمز (Hurmoz) که از طریق آن تقریباً (40%) تمام جریان صادرات نفت صورت میگیرد و از جانی ایران دوهمین منطقه غنی از انرژی در جهان نیز شمرده میشود (آسیای مرکزی و شرق میانه) و همچنان سرزمین ایران دوهمین منبع غنی از گاز طبیعی و چهارمین کشور از نظر منابع نفت در جهان میباشد .

* درگیری و جنگ ساختگی واشنگتن با ایران به ارتباط برنامه هستوی هرگز محضاً در مورد روابط امریکا با ایران و نه آن تنها در مورد کنترل شرق میانه بود بلکه این درگیری دربرگیرنده ای پرسش گسترده تری از رابطه ایالات متحده امریکا در درگیری با قدرت های بزرگ جهانی بود .

تا جایکه معلوم است وابستگی ایالات متحده امریکا به نفت خاورمیانه کاهش یافته است ، اما واشنگتن با برداشتن قدم های استوار در پی تسلط کامل و حفظ کنترل اش در شرق میانه میباشد تا در فرجام این اطمینان را حاصل نماید که به تسلط چنان منطقه ای دست یازد که تمام احتیاجات و اقلام اصلی مورد ضرورت اش را به نسبت رقبا اش در اروپا و آسیا برآورده سازد که این منطقه شامل چین و جاپان بوده چونکه غنی از نفت میباشد .

* آنچه که «اوباما» بارها بارها گفته است و آن اینکه جنگ یگانه بدیل یالترناتیف برای امپریالیزم ایالات متحده امریکا توافق هستوی باایران میتواند باشد این همان جنگی است که اکثراً به مفادات این جنگ پی برده اند اما باید خاطر نشان ساخت که این جنگ همه اهداف واشنگتن راتامین نخواهد کرد و این گفته برای بار اول شده میتواند که دروغ نباشد.

از سوی دیگر اگر کار رفع تحریم ها آغاز گردد به ادعای آنکه واشنگتن از جهان معاصر رهبری مینماید ممکن است مواجه به یک سلسله چالش ها وسوالات توضیحی وتشریحی گردد و آن یکی ازهمچو چالش ها شکست بزرگ جیو پولیتیکی ایالات متحده امریکا خواهد بود که هرگز از آن دوری نخواهد توانست پس در اینصورت ایالات متحده امریکا از روی مجبوریت باید به دوام تحریم هایش علیه ایران بپردازد ویا بخاطر تلافی آن علیه تحریم کننده گان به جدال برخیزد وداراییهای آنها را در خارج ازکشور منجمد سازد واز دسترسی به کنترل دادوستد ایران مطابق سیستم بانک جهانی ایالات متحده امریکا واروپا اغماض نماید ویا بمنظور جلوگیری از چنین اقدام که شاید به سرعت منجر به رویاروی نظامی با چین وروسیه نگردد در آنصورت مجبوراًباید به ارایه ای موضوعات قابل بحث ، تحریم ها وتعدیرات را کنار گذارد واز جنگ تمام عیار علیه ایران صرف نظر نماید.

پنتاگون از مدت های طولانی همچو جنگ وبازی را ازقبل برنامه ریزی نموده بود ، درحالیکه مردم ایالات متحده امریکا ازاین پلان طرح شده بی خبر وچیزی نمیدا نستند، وحامیان جنگ وخشونت ازاتاق های متعدد تتویری شان بصورت اشکار آغاز جنگ را علیه ایران تبلیغ می نمودندعلیه کشوریکه چهاربرابرمساحت وسه چند نفوس عراق رادارد وازنظرداشتن شبهه نظامیان خارجی خود درمنطقه سرزبانها است که به کمک این شبهه نظامیان خارجی خود میتواند در کمترین فرصت اوضاع منطقه را دگرگون سازد وبه اختلافات دامن زده شده ای ایالات متحده امریکا منازعات بین سنی ها وشیعیه ها تتورها را گرم وداغ نماید که درآنصورت ارتش امریکا ناگذیر باید برای مدت طولانی درحال آماده باش روزشماری نماید و درفرجام نه آنقدر کم وکاست هم، درصورت وقوع چنین جنگی مخالفت های مردم امریکا شعله ور خواهد شد چنانچه همین اکنون بعد ازچند دهه واکنشهای اجتماعی در کشور ، تنش های

صنفي در حال رشد را بوجود آورده است .

«اوباما» معتقد است که امپرياليزم ايالات متحده امريکا نيروی ارزانتر ، محتاطانه تر بدیل و جاگزینی است . آنطوریکه اشتون کارتر وزير دفاع ايالات متحده امريکا روز يکشنبه با گردان فرازی و افتخار اظهار داشت که هيچ نيروی نمیتواند جلو گزينه نظامی کشورش را در آینده بگيرد .

* توافق از قبل طراحی شده به ايالات متحده امريکا زمينه مساعد حد اکثر نفوذ بالای ايران را توأم با حد اکثر انعطاف پذيری استراتژیکی میتواند بدهد و انعطاف پذيری بودن بدین مفهوم که ايران با يد بحد کافی مطيع بودن خود را در مدت زمان معين شده از خود نشان دهد و يا اينکه به تغير شرایط موجود دست بکار شود که در مقابل ايالات متحده امريکا بصورت اوتوماتیک در امر رفع تحریم ها آغاز بکار کند و از برخورد رویارویی با ايران صرف نظر نماید.

افزون به آن تمام استدلال "اوباما" در حمايت از توافقنامه غير نظامی هستوی با ايران توأم با اين ادعا میباشد که بگذار ايران در مدت زمان از قبل تعين شده از ازمون وازمایش بگذرد صرف نظر از آنکه ما خود سوار بر کشتی جنگ عليه ايران شويم طوریکه اين گزينه ويا اين تحمل و شکيبایی و انعطاف پذيری سياسی خود میتواند منافع استراتژیکی ايالات متحده امريکا را بيدون آنکه به امريکا کدام آسیبی برسد بر آورده سازد . و به درست بودن پيشبینی واشنگتن در ارتباط با جنگ پيشگیرانه عليه ايران صحه گذارد .

اداره «اوباما» تعامل و تداخل غرب را در ايران بعنوان یک میانگين پيشگیری از به همکاری نزدیک تر با چين و روسيه می بيند و يا به عباره ديگر غرب در صدد جلوگیری از نزدیک شدن بیشتر ايران با چين و روسيه میباشد ، چونکه همين اکنون چين یکی از پارتنر يا شریک بزرگ تجاری و روسيه یکی از مهمترين پارتنر ويا شریک استراتژیکی نظامی ايران میباشند .

اولويت و رجحان ديگر ايالات متحده امريکا در قبال ايران چنين است: تا اگر بتواند کمک ايران را در برقراری ثبات شرق میانه در تحت رهبری واشنگتن فراهم سازد . ايالات متحده امريکا و ايران همين اکنون بصورت ضمنی متحد يکديگر در حمايت از حکومت عراق و از شبهه نظاميان کردی عراق اند ، چونکه آنها يعنی دولت عراق و «شبهه نظاميان کردی عراقی» هردو مخالف

سر سخت دولت اسلامی «عراق و شام» در منطقه میباشند .
از سوی دیگر اداره «اوباما» با چشم باز واراده قوی متمایل است که با استفاده از عقد توافقنامه هستوی بالای ایران فشار وارد نماید تا با سوریه به یک توافق سیاسی برسد و درپرتو آن رژیم بعث بشر الاسد را در سوریه تعویض نماید و در راس دولت سوریه یک گماشته ای خود را بگمارد تا او حامی و پشتیبان و فراهم کننده ای منافع ایالات متحده امریکا در سوریه باشد و با دنبال همچو سیاست بی جهت نبود که هفته ای گذشته آقای «اوباما» اعلام نمود که ایران یکی از شرکای بحث و مذاکره در حل منازعات موجود سوریه خواهد بود .

از سوی دیگر در فاصله های بلند مدت هدف حامیان «اوباما» در بازی شطرنج با ایران طوری طرح ریزی شده است که ایران بالنوبه باید به یک مقعری با ستونهای مستحکم امپریالزم ایالات متحده امریکا در شرق میانه و اوروآسیا عرض اندام نماید و آن به این مفهوم که ایران را به کشوری مطیع و فرمانبردار از نوع مستعمره نو مبدل سازند مثل آنوقتیکه ایران در تحت زعامت شاه تحت الحمایه ایالات متحده امریکا قرار داشت .

با در نظر داشت این هدف دورنمایی ، واشنگتن در این راستا قصد دارد که به بررسی و بهره برداری از شکاف عمیق موجود در درون رژیم بورژوازی روحانیت ایران به اقدامات عملی بپردازد و آن اینکه واشنگتن میداند و کاملاً آگاه است که همین اکنون زمام دولت ایران در دستان (رفسنجانی ریس جمهور سابق ایران و تحت الحمایه او آقای حسن روحانی ریس جمهور کنونی ایران) میباشد «حسن روحانی» کسیکه از سال (1989) به اینطرف در تلاش ایجاد روابط حسنه با واشنگتن بوده و یا کیسکه روابط دیرینه و نزدیک با کشورهای سرمایه داری اروپا دارد .

* توافقنامه هستوی ایران ممکن تنها به تشدید تناقضات در سیاست خارجی امریکا با نجامد و در آینده شاید که این تناقضات بنیاد و اساس تصادم را تشکیل دهد .

تلاش و پیگیری واشنگتن بمنظور جلب رضایت متحدان سنتی منطقه اش با پذیرش پیشنهادات آنها برای کسب سیستم سلاح های مدرن و افزایش همکاریهای متقابل نظامی و اطلاعاتی بوده است که این نوع تعاملات میتواند

ایران را تهدید نماید و آن اینکه همین اکنون رسانه های ایالات متحده آمریکا در تبلیغات گسترده ای بی آمان خود ایران را به حیث کشور متجاوز به تصویر میکشد درحایکه بین ایران و اسرائیل و عربستان سعودی و دیگر متحدین خلیج پارس ایالات متحده آمریکا از نظر تکنالوژی تسلیحاتی شگاف وسیع وگسترده وجود دارد یعنی که ایران با اسرائیل و عربستان سعودی وعده از کشورهای خلیج پارس از نظر سلاح ومهمات جنگی رقابت کرده نمیتواند. نکته قابل تذکر دیگر اینکه ایالات متحده آمریکا نمیتواند ویا این صلاحیت را ندارد که شرکا ومتحدین غربی واروپایی خودرا هدایت بدهد که بیکار بنشینند ویا از آنها تقلا بعمل آوردکه به ایران برای تجارت ودادوستد بازگردند چنانچه بروز یکشنبه معاون صدراعظم و رهبر حزب سوسیال دموکرات المان سگمار گبیریل (Sigmar Gabriel) در راس یک هییات از نمایندگان تجار جرمنی به تهران مواصلت ورزید وبه تعقیب این سفر هیات نمایندگان تجاری المان معین وزیر خارجه فرانسه لورنت فیوس (Lauren Fabius) گفت که ما نیز عنقریب به تهران خواهیم رفت .

«اوباما» خواستار حمایت مطمین نخبگان حاکم ایالات متحده آمریکا گردید تا او را اجازه دهند که تحریم های بعدی وموخر بالای ایران را فسخ نماید ولی تحریم های دیگری را در زیر نام مخالفت با تروریزم بحال خودش باقی بگذارد وآن به این مفهوم که شرکت های امریکایی همچنان بطور موثر از انجام دادوستد به جانب ایران خودداری نمایند یعنی برای آنها جواز نیست که با ایران به معاملات دادوستد دست یازند .

اگر ایالات متحده آمریکا درتامین وفراهم آوری مسابقه امنیت دارایی های ایران به کمی وکاستی مواجه نشود ویا چیزی را از دست ندهد درآنصورت برای امریکا این فرصت مساعد خواهد گردید که در ایجاد روابط حسنه با ایران باوجود مخالفت های شدید موجود متحدین واشنگتن درشرق میانه به جلو درحرکت بیا فتد ویا دوباره بازگشت به مخالفت نماید و خواسته های اروپایی ها ودیگران را به همان شکل قبلی برآورده سازد .

* بسیاری از محاسبات دیگر استراتژیکی جنبه عملی داشته واز نظر زمانی حاوی کرکتر کوتاه مدت میباشد وطوری به نظر میرسد که همین اکنون با تصمیمگیری اداره اوباما برای به سرانجام رساندن یک معامله ربط و

پیوند دارد. یک چیزی را پیرامون این محاسبات که آنرا نمیتوان قضاوت موکد کرد و یا بر اجرای آن تحکم نمود وقوع سریع بعضی از حوادث میتواند باشد و یا احتمالاً به نسبت بروز اختلافات و نوسانات در پالیسی واشنگتن همچو اقدامات جامه عمل ممکن نپوشد.

بهر صورت قابل تذکر اینست که آقای «اوباما» در طول مصاحبه اش با نیویارک تایم که در هفته گذشته صورت گرفت ریس جمهور ایالات متحده امریکا تلاش های ریس جمهور آقای پوتین راستود و یاد اور شد که این توافقنامه با تهران بیدون حمایت برازنده وقوی روسیه امکان پذیر نبود او یعنی آقای اوباما افزود که او را پوتین در یک صحبت تیلیفونی تشویق نمود که در مورد معضلات سوریه نیز باید صحبت نمایم این موضوع را آقای اوباما طی صحبت خود اعلام داشت که ریس جمهور روسیه آقای پوتین با او در موارد فوق صحبت تیلیفونی نمود.

این ممکن خواهد بود که «اوباما» در حال بررسی پاسخ مثبت به درخواست پوتین بخاطر کاهش تشدید تنش پیرامون معضله اوکراین در آزای صرف نظر نمودن ماسکو از حمایت اسد در سوریه شود؟ آیا این اقدام نه تنها که با بحران پالیسی ایالات متحده امریکا در شرق میانه پیوند وربط پیدا خواهد کرد بلکه تشدید تشنج بین واشنگتن وبرلین را باعث نخواهد شد؟ و یا این خود آزاد ساختن تیر از کمان بسوی جرمنی نخواهد بود؟

نخبگان حاکم ایالات متحده امریکا توام با احساس ترس به نقش معتاد المان در آسپ دوانی در مذاکرات اخیر بین اتحادیه اروپا و یونان از خود واکنش نشان دادند، این واکنش نه بخاطر توده های میلونی یونان بلکه واکنش بخاطر ادعای اشکار برلین مبنی بر نقش جدید اش بعنوان تامین کننده انضباط و دسپلین در اروپا.

نخبگان حاکم ایالات متحده امریکا باید در توافق با ایران گزینه حرکت بجلو را انتخاب نمایند چونکه در موقعیت بهتری قرار دارند آنها باید بخاطر حفظ تسلط خود در مقابل چالش ها از خود مقاومت نشان دهند - مقاومت با داشتن ابزار نظامی مقاومت در برابر مخالفین نیرومند یعنی نه تنها در مقابل روسیه و چین بلکه در مقابل جاپان و جرمنی و دیگر امپریالیست ها در جهان.

----- **با تقدیم احترامات**